اخبار

قطر:

از گفت‌وگو بین تهران و واشنگتن حمایت می‌کنیم

سخنگوی وزارت خارجه قطر امروز-سه‌شنبه- اعلام کرد: «با تهران و واشنگتن در تماس هستیم و از هرگونه گفت‌وگو برای جلوگیری از تشدید تنش حمایت‌می‌کنیم.»

به گزارش ایسنا، در سایه تهدیدهای اخیر رئیس جمهوری آمریکا علیه ایران، «ماجد الانصاری» سخنگوی وزارت خارجه قطر گفت: هنوز جایی برای راه‌حل‌های دیپلماتیک و سیاسی در مورد ایران وجود دارد. به نقل از الجزیره، سخنگوی وزارت امور خارجه قطر اظهار داشت: قطر با میانجیگران برای بازگشایی گذرگاه رفح و تحویل کمک‌ها در حال همکاری است و ارتباط ادامه دارد.

این مقام قطری ادامه داد: تماس‌ها برای دستیابی به توافق در مورد نیروی ثبات‌بخش در غزه و بازگشایی گذرگاه رفح ادامه دارد، اما هیچ تاریخ مشخصی برای این امر تعیین نشده است.

سخنگوی وزارت امور خارجه قطر در واکنش به اظهارات نتانیاهو مبنی بر اینکه گذرگاه رفح تا زمان بازگرداندن بقایای آخرین زندانی اسرائیلی باز نخواهد شد، گفت: ما باج‌گیری سیاسی را رد می‌کنیم و خواستار آن هستیم که کمک‌ها به عنوان ابزاری سیاسی در اختلافات استفاده نشوند.

وی اضافه کرد: ما درخواست کرده‌ایم که کمک‌های بشردوستانه به عنوان ابزاری برای باج‌گیری سیاسی استفاده نشود. قطر با میانجیگران برای تضمین اجرای مرحله دوم توافق آتش‌بس غزه همکاری می‌کند. سخنگوی وزارت امور خارجه قطر با بیان اینکه پیچیدگی‌هایی وجود دارد که ادامه تلاش‌ها برای دستیابی به توافق آتش‌بس در غزه را ضروری می‌کند، افزود: هیچ محدودیت زمانی برای گفت‌وگو و میانجیگری تعیین نمی‌کنیم.

سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه قطر همچنین تاکید کرد: تماس‌ها برای اجرای مرحله دوم توافق غزه ادامه دارد و ما برای غلبه بر موانع تلاش می‌کنیم. الانصاری افزود: ما از دولت مشروع یمن حمایت می‌کنیم و از همه طرف‌ها می‌خواهیم که برای دستیابی به راه‌حل، گفت‌وگوی سازنده داشته باشند. وی خاطرنشان کرد: ما با طرف‌های مختلف در مورد بحران یمن در تماس هستیم و نقش قطر حمایت از دولت مشروع است. ما از هرگونه تلاش بین‌المللی در این زمینه استقبال می‌کنیم.

بورل:

آمریکا دیگر متحد اصلی اتحادیه اروپا نیست

مسئول سابق سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا گفت که ایالات متحده دیگر متحد اصلی اتحادیه اروپا نیست و این اتحادیه اکنون باید یاد بگیرد که برای دفاع از خود به خودش متکی باشد.

به گزارش ایسنا، «جوزپ بورل» مسئول سابق سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا، در مصاحبه‌ای که امروز سه‌شنبه با روزنامه ال پائیس انجام داد، گفت: «ایالات متحده دیگر متحد اصلی اتحادیه اروپا نیست. ما در حال تجربه فصل دیگری از واقعیتی هستیم که به طور فزاینده‌ای برای ما روشن می‌کند که باید دفاع خود را با ابزارهای خودمان تضمین کنیم.»

دولت ترامپ در اوایل دسامبر یک استراتژی امنیت ملی اصلاح‌شده منتشر کرد که در آن آمده است که ایالات متحده بر «ایجاد مقاومت در برابر مسیر فعلی اروپا در داخل کشورهای اروپایی» تمرکز خواهد کرد و از اروپا می‌خواهد که مسئولیت دفاع از خود را بر عهده بگیرد. بورل پیش از این و درباره طرح ۲۸ بندی ترامپ برای پایان جنگ اوکراین که طبق گزارش‌ها بدون مشورت با اروپا تهیه شده بود، نوشت: «ایالات متحده دیگر نمی‌تواند به‌عنوان متحد اروپا تلقی شود؛ چرا که حتی در موضوعاتی که امنیت خود اروپا را تحت تأثیر قرار می‌دهد، با آن مشورت نمی‌شود.»

آمریکا با قدرت‌های دنیا زورآزمایی می کند؟

دستبرد به کشورها از ونزوئلا تا کوبا

همزمان با کشته شدن ده‌ها محافظ کوبایی در عملیات آمریکا برای ربودن نیکلاس مادورو، دونالد ترامپ با ادبیاتی تهدیدآمیز از «سقوط قریب‌الوقوع کوبا» سخن گفت؛ اظهاراتی که به باور کارشناسان، صرفاً محدود به آمریکای لاتین نیست. استاد دانشگاه تهران معتقد است ونزوئلا به آزمایشگاه سیاست خارجی جدید واشنگتن تبدیل شده و موفقیت آمریکا در این میدان می‌تواند به گسترش مداخلات ایالات متحده در سایر مناطق جهان، از جمله خاورمیانه، منجر شود.

دست‌بردن در ساختارهای حکومتی یک کشور و ایجاد هرج‌ومرج و آشوب، همان سیاست‌هایی است که پیش‌تر نیز اتخاذ شده و هیچ‌کدام نتیجه‌بخش نبوده‌اند

همزمان با اعلام خبر کشته شدن ۳۲ محافظ کوبایی در جریان عملیات موفقیت‌آمیز آمریکا برای ربودن مادورو، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده برای کوبا هم خط و نشان کشید. ترامپ گفته کوبا در حال سقوط است.

رویداد۲۴ در ادامه می نویسد: کارگران و مقام‌های کوبایی روز دوشنبه پرچم‌ها را پایین آوردند تا یاد ۳۲ نیروی امنیتی را گرامی بدارند. کوبا آن‌چنان به ونزوئلا نزدیک بود که سربازان و مأموران امنیتی کوبایی اغلب محافظان شخصی رئیس‌جمهور ونزوئلا را تشکیل می‌دادند و نفت ونزوئلا سال‌هاست که اقتصاد بیمار کوبا را سر پا نگه داشته است. حالا دولت ترامپ آشکارا هشدار داده است که سرنگونی مادورو به پیشبرد هدفی دیگر که دهه‌ها دنبال شده کمک می‌کند: وارد کردن ضربه‌ای به دولت کوبا. ترامپ درباره کوبا گفته: «در حال سقوط است. کاملاً از پا خواهد افتاد.»

کارشناسان این اظهارات را زنگ خطری نه برای آمریکای لاتین، که برای کل جهان می‌دانند. سقوط مادورو پیامهایی برای تهران داشته و بسیاری معتقدند آمریکا ممکن است در مرحله بعد، بار دیگر پا را از قاره آمریکا فراتر گذاشته و دست به یک ماجراجویی جدید در خاورمیانه بزند.

الهه نوری غلامی‌زاده، عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و کارشناس مسائل آمریکای لاتین در گفت‌وگو با رویداد۲۴، با اشاره به تحولات اخیر ونزوئلا گفت: «اگر ایالات متحده بتواند کنترل اوضاع را به‌طور کامل در ونزوئلا در دست بگیرد، هیچ‌یک از کشورهای قاره آمریکا از سیاست‌های آن در امان نخواهند بود؛ از جمله کوبا که از دوران جنگ سرد همواره در زمره کشورهای ضد امپریالیستی قرار داشته است.»

وی افزود: «ونزوئلا امروز نقشی مشابه دوران جنگ سرد و انقلاب ۱۹۵۹ کوبا ایفا می‌کند؛ یعنی به دروازه ورود ایدئولوژی‌های معارض با ایالات متحده در نیمکره غربی تبدیل شده و به همین دلیل برای واشنگتن اهمیت راهبردی ویژه‌ای دارد.»

این کارشناس مسائل آمریکای لاتین ادامه داد: «اظهارات اخیر دونالد ترامپ در همین چارچوب قابل تحلیل است. اگر پای آمریکا به ونزوئلا باز شود یا این کشور به هر نحوی تحت کنترل واشنگتن قرار گیرد، ایالات متحده بی‌پروا سیاست‌های مداخله‌جویانه خود را نه‌تنها در منطقه بلکه در سایر نقاط جهان پیش خواهد برد.»

نوری غلامی‌زاده با اشاره به ماهیت درگیری‌ها در ونزوئلا تصریح کرد: «ونزوئلا به عرصه جنگ‌های ائتلافی و هیبریدی تبدیل شده است. از منظر ایالات متحده، حضور کشورهایی مانند چین، روسیه و ایران در ونزوئلا به‌منزله نفوذ رقبای آمریکا به قاره این کشور تلقی می‌شود.»

آمریکای لاتین، آزمایشگاه سیاست خارجی ایالات متحده است

وی افزود: «ایالات متحده در طول تاریخ، آمریکای لاتین و به‌طور کلی نیمکره غربی را آزمایشگاه سیاست خارجی خود دانسته است. بسیاری از سیاست‌هایی که بعدها در نقاط دیگر جهان اجرا شده‌اند، ابتدا در آمریکای لاتین آزموده شده‌اند.»

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران خاطرنشان کرد: «اگر آمریکا بتواند کنترل کامل ونزوئلا را به دست بگیرد، به‌تدریج نوبت کوبا، نیکاراگوئه، مکزیک، برزیل و در نهایت کل قاره آمریکا خواهد رسید و هیچ کشوری از سیاست‌های ترامپی در امان نخواهد بود.»

ونزوئلا عرصه زورآزمایی با قدرت‌های رقیب شامل روسیه، چین و ایران است

نوری غلامی‌زاده با اشاره به مفهوم «جنگ سرد جدید» گفت: «ترامپ تلاش می‌کند حتی فراتر از دکترین قاره آمریکا یا دکترین مونرو عمل کند. ونزوئلا برای او به آزمایشگاه زورآزمایی با قدرت‌های رقیب تبدیل شده و اگر در این میدان پیروز شود، با جسارت بیشتری سیاست‌های خود را در سایر قاره‌ها دنبال خواهد کرد.»

وی در ادامه با مرور تاریخی سیاست‌های ایالات متحده در منطقه افزود: «پس از استقلال کشورهای آمریکای لاتین در قرن نوزدهم، ایالات متحده نخستین کشوری بود که این دولت‌ها را به رسمیت شناخت، اما همین به‌رسمیت‌شناسی به‌تدریج به مداخلات گسترده سیاسی و نظامی انجامید.»

این کارشناس مسائل آمریکای لاتین تصریح کرد: «از دکترین مونرو در سال ۱۸۲۳ با شعار «آمریکا برای آمریکایی‌ها» گرفته تا مداخلات نظامی مستقیم، حمایت از زمین‌داران و سپس دکترین روزولت، آمریکا عملاً منطقه را به جولانگاه سیاست‌های خود تبدیل کرد.در دوران جنگ سرد، ایالات متحده برای کاهش هزینه‌های مداخله، به روی کار آوردن دیکتاتورهای دست‌نشانده، گسترش پایگاه‌های نظامی و سرکوب جنبش‌های مستقل روی آورد، اما انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ نخستین چالش جدی این راهبرد در نیمکره غربی بود.»

نوری غلامی‌زاده در پایان گفت: «از آن زمان تاکنون، سیاست مهار هرگونه جریان مستقل و ضدآمریکایی در آمریکای لاتین ادامه یافته و آنچه امروز در ونزوئلا شاهد آن هستیم، ادامه همان مسیر تاریخی با ادبیات و ابزارهای جدید است.»

آمریکا دهه‌هاست تلاش می‌کند بر کوبا مسلط شود

به گفتهٔ یک کارشناس مسائل آمریکای لاتین، در ونزوئلا که هم‌اکنون عرصه جنگ‌های اطلاعاتی هیبریدی است، مطالبه مردم، بازگشت مادورو است و اگر ترامپ بتواند کنترل کامل ونزوئلا را در دست بگیرد، احتمال دارد به سراغ بقیه کشورهای آمریکای لاتین و حتی اروپا و خاورمیانه نیز برود.

در ادامه متن کامل گفت و گوی «خبرآنلاین» را با الهه نوری غلامی‌زاده، کارشناس مسائل آمریکا لاتین و استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، مطالعه می‌کنید.

*** به نظر شما آینده تحولات ونزوئلا به کدام سمت می‌رود و به چه عواملی بستگی دارد؟

در حال حاضر نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی داشت. این مسئله بستگی به میزان مقاومت مردم ونزوئلا دارد، بستگی دارد به اینکه سرنوشت مادورو به چه سمتی می‌رود و همچنین به این‌که آیا در حزب حاکم شکاف ایجاد می‌شود یا نه.

*** چرا آمریکا به نهادهای حکومتی ونزوئلا دست نزد و اجازه داد حکومت فعلی پابرجا بماند؟

واقعیت این است که حکومتی که اکنون در ونزوئلا وجود دارد، حکومت منتخب مردم این کشور است و مداخله در ساختارهای حکومتی ونزوئلا کار کسی نیست جز خود ونزوئلایی‌ها. حتی اقدامی که آمریکایی‌ها اکنون دست به آن زده‌اند و رئیس‌جمهور این کشور را ربوده‌اند، در ساختارهای داخلی ایالات متحده نیز عملی غیرقانونی و نامشروع محسوب می‌شود.

اقدام ترامپ مداخله در ونزوئلاست

یعنی اگر منظور این باشد که ترامپ در امور داخلی ونزوئلا مداخله کند، این اقدام عین مداخله مستقیم است. او دست به ربودن یک فرد زده است که به‌خودی‌خود همین عمل نیز نامشروع است؛ زیرا هیچ‌گونه مجوزی از سوی هیچ‌یک از نهادهای داخلی ایالات متحده، حتی برای چنین نوعی از مداخله، وجود نداشته است.

دست‌بردن در ساختارهای حکومتی یک کشور و ایجاد هرج‌ومرج و آشوب، همان سیاست‌هایی است که پیش‌تر نیز اتخاذ شده و هیچ‌کدام نتیجه‌بخش نبوده‌اند؛ از جمله تقویت اپوزیسیون با هدف برهم‌زدن ساختار داخلی ونزوئلا که هرگز به نتیجه نرسید. بنابراین، این‌بار به نوع جدیدی از مداخله‌گرایی روی آورده‌اند و رئیس‌جمهور یک کشور را ربوده‌اند.

*** آیا معاون مادورو، دلسی رودریگز، امتیازهایی را که آمریکا می‌خواهد به این کشور می‌دهد و شرایط عادی می‌شود؟

در حال حاضر مشخص نیست، اما چیزی که وجود دارد این است که صداهایی که از داخل ونزوئلا شنیده می‌شود، مبنی بر این است که همچنان مادورو را رئیس‌جمهور خودشان می‌دانند و خانم رودریگز موقتا اداره امور را بر عهده گرفته است.

وقتی از بندهای قانون اساسی هم صحبت می‌کنیم، بندهای ۲۳۳ و ۲۳۴ قانون اساسی جمهوری بولیواری، مربوط به زمانی است که رئیس‌جمهور دچار غیبت از قدرت شده باشد، نه اینکه ربوده شده باشد. او ربوده شده و به همین دلیل است که همه به‌صورت یک‌صدا این مطالبه را مطرح می‌کنند که مادورو برگردانده شود.

اما فعلاً چیزی که وجود دارد این است که ترامپ هم به‌طور یک‌جانبه کار خودش را می‌کند؛ قاضی دادگاهی را که انتخاب می‌کند در راستای سیاست‌های خودش و هم‌پیمانان اسرائیلی‌اش است. حالا همه منتظریم ببینیم در این کش‌وقوس تاریخی، در نهایت نتیجه به کجا می‌انجامد.

*** اثر مداخله آمریکا در ونزوئلا بر سایر کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی به چه شکل خواهد بود؟ آیا این مداخله باعث می‌شود نظام‌های چپ‌گرا در این مناطق تضعیف شوند؟

بله مسلماً ترامپ از ابتدا یک جو امنیتی و نوعی جنگ سردِ سلطه‌جویانه را دنبال کرده است. از همان آغاز این روند، سیگنال‌هایی را به کشورها ارسال می‌کرد و همین حالا هم اگر اخبار را دنبال کنید، می‌بینید که به گفتهٔ او، گزینه بعدی کوباست و بنابراین همه کشورهای منطقه تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

ونزوئلا در واقع در حال دادن مجوز به ترامپ است تا بی‌پروا همه سیاست‌هایش را، یکی‌یکی، در همه جای دنیا به کار بگیرد؛ نه فقط در کشورهای منطقه آمریکای لاتین، بلکه در سایر کشورهای جهان. طبیعتاً در این شرایط ژئوپلیتیک منطقه تغییر خواهد کرد. یعنی با تغییر شرایط سیاسی ونزوئلا، ژئوپلیتیک قاره آمریکا، ژئوپلیتیک خاورمیانه و همچنین خاور دور، چین و سایر دولت‌ها نیز تحت‌الشعاع قرار خواهند گرفت.

ترامپ و احتمال به دست گرفتن کنترل کوبا

*** از نظر شما سرنوشت کوبا چه می‌شود؟

ببینید، ما الان نمی‌توانیم واقعا به‌طور قطعی بگوییم که ترامپ چه نقشه‌ای برای کوبا دارد یا این بار می‌خواهد چه سناریویی را پیاده کند. اما چیزی که وجود دارد این است که اگر ونزوئلا به هر علتی به‌طور کامل تحت کنترل ترامپ قرار بگیرد، او سعی می‌کند به هر نحوی که شده کنترل کوبا را هم به دست بگیرد.

اگر ونزوئلا را آخرین انقلابِ دوران جنگ سرد در منطقه قاره آمریکا بدانیم، نباید فراموش کنیم که کوبا اولین انقلاب در جریان تحولات آمریکای لاتین در سال ۱۹۵۹ بوده است. از همان زمان هم ایالات متحده همواره تلاش کرده است که این کشور را تحت کنترل خود درآورد و طبیعتاً به هر صورتی که باشد، سعی می‌کند کوبا را نیز تحت کنترل خودش قرار دهد.

*** آیا این رویکرد ترامپ با سند جدید استراتژی امنیت ملی آمریکا که منتشر شده، منطبق است؟ و آیا می‌توان گفت ترامپ در حال ارائه یک برداشت جدید از دکترین مونرو است؟

واقعیت این است که ترامپ در حال ارائه یک برداشت جدید از دکترین مونرو است؛ برداشتی کاملاً افراطی و مداخله‌جویانه که اکنون در منطقه آمریکای لاتین اعمال می‌کند. این گزاره درست است، اما چیزی که وجود دارد این است که ترامپ در واقع سیاست‌های مداخله‌جویانه‌ای را دنبال می‌کند که ریشه آن به دکترین ۱۸۲۳ بازمی‌گردد؛ همان گزاره «آمریکا برای آمریکایی‌ها».

آمریکای لاتین آزمایشگاه سیاست خارجی آمریکا

ایالات متحده در نیمه اول قرن نوزدهم، زمانی که کشورهای منطقه آمریکای لاتین در حال شکل‌گیری و به‌دست‌آوردن استقلال بودند، عملاً این کشورها را به‌عنوان آزمایشگاه سیاست خارجی خود استفاده می‌کرد. در نیمه اول قرن بیستم نیز شاهد حملات نظامی مستقیم، به‌ویژه در آمریکای مرکزی و کارائیب بودیم و در نیمه دوم قرن بیست، انواع و اقسام کودتاها، حکومت‌های دست‌نشانده و سناریوهای مشابه شکل گرفت.

انقلاب بولیواری در سال ۱۹۹۹ نیز آخرین بازمانده انقلاب‌های دوران جنگ سرد بود. بنابراین، ترامپ در حال اجرای یک برداشت «ترامپ‌گونه» از دکترین مونرو در آمریکای لاتین است؛ برداشتی بسیار افراطی و مداخله‌گرایانه.

نمی‌توان گفت که ترامپ سیاست یا گرایش کاملاً جدیدی را اجرا می‌کند، اما این سیاست‌ها با شدت و چهره‌ای کاملاً آشکار اعمال می‌شوند، به‌گونه‌ای که برای همگان قابل پیش‌بینی است که ایالات متحده در حال مداخله است. خود او هم به این رویکرد عنوان «دکترین دانرو» داده است؛ یعنی به‌جای مونرو، از این تعبیر استفاده می‌کند.

***به نظر شما آمریکا صرفاً بر محیط پیرامونی خودش متمرکز می‌شود یا باید به‌زودی منتظر مداخلاتی از این دست در سایر نقاط جهان، به‌ویژه خاورمیانه، هم باشیم؟

ونزوئلا در حال حاضر عرصه جنگ‌های اطلاعاتی هیبریدی است، اگر آمریکا بتواند سیاست‌های خود را در این کشور پیش ببرد، می‌تواند دست برتر را نه فقط در آمریکای لاتین، بلکه در سایر نقاط جهان داشته باشد. بنابراین آمریکا تلاش می‌کند که بتواند همان الگویی را که در آمریکای لاتین دنبال می‌کند، در اروپا و خاورمیانه هم پیش ببرد. در این صورت، ژئوپلیتیک جهان به‌طور کامل تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت.

اخبار

هشدار دبیرخانه شورای دفاع:

تداوم رفتار خصمانه علیه ایران پاسخ قاطع و متناسب خواهد داشت

دبیرخانه شورای دفاع هشدار داد که هرگونه تعرض یا تداوم رفتارهای خصمانه علیه ایران، با پاسخ متناسب، قاطع و تعیین‌کننده مواجه خواهد شد.

به گزارش ایسنا، دبیرخانه شورای دفاع جمهوری اسلامی ایران روز سه‌شنبه با صدور بیانیه‌ای، ضمن محکوم کردن تشدید ادبیات تهدید و اظهارنظرهای مداخله‌جویانه علیه کشور، تأکید کرد: امنیت، استقلال و تمامیت ارضی ایران، خط قرمزی غیرقابل عبور است و هرگونه تعرض یا تداوم رفتارهای خصمانه، با پاسخ متناسب، قاطع و تعیین‌کننده مواجه خواهد شد. در بخشی از این بیانیه آمده است: در چارچوب دفاع مشروع، جمهوری اسلامی ایران خود را محدود به واکنش پس از اقدام نمی‌داند و نشانه‌های عینی تهدید را بخشی از معادله امنیتی تلقی می‌کند. متن کامل بیانیه دبیرخانه شورای دفاع جمهوری اسلامی ایران به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم ؛ دشمنان دیرینه این سرزمین که بارها و به‌صراحت مسئولیت کشتار زنان و کودکان ایرانی را بر عهده گرفته‌اند، با تکرار و تشدید ادبیات تهدید و اظهارنظرهای مداخله‌جویانه و در تعارض آشکار با اصول پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل، رویکردی هدفمند را دنبال می‌کنند که معطوف به تجزیه ایران عزیز و وارد آوردن لطمه به کیان کشور است؛ مسیری که نه صرفاً بیان مواضع سیاسی، بلکه بخشی از یک الگوی فشار و ارعاب بوده و نمی‌تواند بی‌پاسخ، بی‌هزینه یا خارج از معادلات میدانی تلقی شود. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر انسجام ملی، توان بازدارندگی همه‌جانبه و آمادگی کامل دفاعی، بار دیگر تصریح می‌کند که امنیت، استقلال و تمامیت ارضی کشور، خط قرمزی غیرقابل عبور است. هرگونه تعرض به منافع ملی، مداخله در امور داخلی یا اقدام علیه ثبات ایران با واکنشی متناسب، هدفمند و تعیین‌کننده مواجه خواهد شد. در چارچوب دفاع مشروع، جمهوری اسلامی ایران خود را محدود به واکنش پس از اقدام نمی‌داند و نشانه‌های عینی تهدید را بخشی از معادله امنیتی تلقی می‌کند. تشدید ادبیات تهدید و مداخله که فراتر از یک موضع‌گیری لفظی است، می‌تواند به‌مثابه رفتاری خصمانه فهم شود؛ مسیری که تداوم آن، پاسخ متناسب، قاطع و تعیین‌کننده‌ای را به‌دنبال خواهد داشت و مسئولیت کامل پیامدها بر عهده طراحان این روند است.

فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ

دبیرخانه شورای دفاع جمهوری اسلامی ایران

رسانه عبری:

ایران ساختارهای امنیتی کارآمدی دارد

یک رسانه عبری گزارش داد که اعتراضات در زمان کنونی تهدید جدی برای نظام ایران نیست.

به گزارش ایسنا، «رون بن یشای» تحلیلگر روزنامه یدیعوت آحارونوت گفت: تظاهرات در ایران در زمان کنونی تهدید جدی برای نظام ایران نیست. ایران همچنان ساختار امنیتی کارآمدی مثل سپاه پاسداران و نیروهای بسیج دارد که آمادگی بالایی را برای فرونشاندن هرگونه شورشی نشان می‌دهند. وی گفت: تعداد معترضان همچنان محدود است و بین آن‌ها رهبری یکپارچه یا اهداف مشترک وجود ندارد و همین مسئله توانایی آنها را برای تاثیرگذاری تضعیف می‌کند. نظام ایران استراتژی مهار نرم را در پیش گرفته و از استفاده از زور جز در موارد ضروری اجتناب می‌کند. دولت ایران اعلام کرده اعتراضات معیشتی مردم را به رسمیت می‌شناسد که در نتیجه برخی نوسانات ارزی در ایران انجام شد و وعده داده تلاش برای رسیدگی به این دغدغه‌ها ادامه دارد. تحلیلگر اسرائیلی درباره سناریوهای نظامی نیز گفت: هرگونه حمله آمریکا یا اسرائیل به ایران در زمان کنونی احتمالا کاملاً نتیجه عکس می‌دهد و منجر به اتحاد مردم ایران پشت نظام آن می‌شود. محتمل‌ترین سناریو در مرحله آتی ادامه تنش بدون رودررویی مستقیم همراه با افزایش فشارهای اقتصادی و نظامی بر ایران است.

تغییر در استراتژی ایران در برابر اسرائیل

توسعه موشکی اولویت اول ایران

تابستان امسال منطقه خاورمیانه شاهد یک رویارویی نظامی مستقیم و بی‌سابقه بین ایران و اسرائیل بود. این درگیری که حدود دوازده روز به طول انجامید، با حملات گسترده هوایی علیه اهداف استراتژیک در خاک ایران همراه شد. یکی از کانون‌های اصلی این حملات، تأسیسات مرتبط با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران بود. اهدافی مانند سایت‌های غنی‌سازی نطنز و فردو و مراکز تحقیقاتی در اصفهان در معرض حمله قرار گرفتند. پس از گذشت چند ماه از این رویداد، تحلیلگران و نهادهای پژوهشی غربی به ارزیابی پیامدهای آن پرداختند. پرسش محوری این بود که این حملات تا چه حد در دستیابی به هدف آشکار خود،یعنی تضعیف یا به تأخیر انداختن برنامه هسته‌ای ایران،موفق بوده‌اند؟ پاسخ به این سؤال ساده نیست. از یک سو، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد آسیب‌های فیزیکی قابل توجهی به برخی زیرساخت‌ها وارد آمده و روند برخی فعالیت‌ها را کند کرده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد واکنش ایران به این حملات، صرفاً بازسازی مشابه گذشته نیست، بلکه شامل یک بازنگری در اولویت‌های راهبردی نیز می‌شود.

ارزیابی خسارات: یک عقب‌افتادگی موقت، نه یک توقف دائمی

بر اساس گزارش رسانه های غربی که در ماه‌های پس از درگیری منتشر شده، حملات هوایی باعث آسیب‌های فیزیکی به چندین سایت کلیدی شد. تأسیسات غنی‌سازی نطنز و فردو، که قلب برنامه غنی‌سازی ایران محسوب می‌شوند، در کانون این حملات قرار داشتند. آسیب‌های گزارش‌شده شامل تخریب ساختمان‌ها، تجهیزات و احتمالاً زیرساخت‌های حیاتی است. برخی مقامات امریکایی حاکی از آن است که این حملات می‌تواند پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران را بین یک تا دو سال به تعویق انداخته باشد. با این حال، چند نکته کلیدی را باید در نظر گرفت. نخست، برنامه هسته‌ای ایران یک موجودیت تک‌سایت و متمرکز نیست، بلکه شبکه‌ای از تاسیسات، تیم‌های پژوهشی و زنجیره‌های تأمین است. آسیب به چند نقطه، لزوماً به معنای نابودی کل شبکه نیست. دوم، دانش فنی و انباشته‌شده دانشمندان ایرانی که مهم‌ترین دارایی این برنامه است، به راحتی قابل نابودی با بمب نیست. سوم، ایران در گذشته نیز در شرایط تحریم‌های شدید و تحت فشار، توانایی خود را در حفظ و حتی پیشبرد بخش‌هایی از برنامه هسته‌ای نشان داده است.

در چنین شرایطی، ارزیابی خسارات در چنین برنامه‌های پیچیده‌ای همواره با عدم قطعیت همراه است. آنچه مهم است، تمایز قائل شدن بین «آسیب‌های عملیاتی» که بازسازی آنها در کوتاه‌مدت ممکن است، و «آسیب‌های راهبردی» که ساختار و مسیر برنامه را به طور اساسی تغییر می‌دهد، می‌باشد. به نظر می‌رسد حملات جنگ ۱۲ روزه بیشتر در دسته اول قرار می‌گیرند.

تغییر اولویت: از هسته‌ای به موشکی—یک واکنش راهبردی

یکی از نکات جالب توجه در تحلیل‌های پس از درگیری، اشاره به تغییر احتمالی در اولویت‌های بازسازی ایران است. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که تهران ممکن است در کوتاه‌مدت، تمرکز و منابع بیشتری را بر احیای سریع‌تر توان موشکی بالستیک خود قرار دهد تا آن که متمرکز بر بازسازی کامل ظرفیت‌های هسته‌ای آسیب دیده شود. این تغییر اولویت در صورت صحت، می‌تواند دلایل راهبردی داشته باشد. از دیدگاه تهران، موشک‌های بالستیک با بردهای مختلف، ابزار اصلی بازدارندگی متعارف در برابر تهدیدات خارجی،به ویژه از سوی اسرائیل و آمریکا،هستند. تجربه جنگ ۱۲ روزه ممکن است این باور را تقویت کرده باشد که داشتن یک زرادخانه موشکی گسترده و آماده، حتی مهم‌تر از پیشبرد سریع برنامه هسته‌ای است. موشک‌ها می‌توانند به عنوان ابزار تلافی و افزایش هزینه حمله به ایران عمل کنند. علاوه بر این، بازسازی توان موشکی ممکن است از نظر فنی و زمانی چالش کمتری نسبت به بازسازی کامل برخی جنبه‌های پیچیده برنامه هسته‌ای داشته باشد. این تغییر تمرکز، به معنای رها کردن برنامه هسته‌ای نیست، بلکه احتمالاً به معنای تخصیص منابع محدود به حوزه‌ای است که در کوتاه‌مدت امنیت‌بخش‌تر به نظر می‌رسد. این امر می‌تواند منجر به کندتر شدن موقت پیشرفت در برخی جنبه‌های هسته‌ای شود، در حالی که توان تهاجمی متعارف ایران را تقویت می‌کند. از این رو واکنش دولت‌ها به حملات، لزوماً بازسازی دقیق آنچه از دست رفته نیست. گاهی اوقات، چنین رویدادهایی موجب بازنگری در فرضیات راهبردی و تغییر در تخصیص منابع می‌شود. تمرکز بر موشک‌ها می‌تواند نشان‌دهنده اولویت‌دادن به «بازدارندگی فوری» در برابر «بازدارندگی بلندمدت هسته‌ای» باشد. این در حالی است که فرآیند بازسازی در ایران در خلأ صورت نمی‌گیرد. گزارش‌های تحلیلی اشاره کرده‌اند که ایران ممکن است برای تسریع در بازسازی بخش‌هایی از توان دفاعی خود، به ویژه در حوزه موشکی، بر کمک‌های فنی و مواد اولیه از شرکای خارجی مانند چین تکیه کند. در صورت صحت چنین گزارش‌هایی، این حمایت می‌تواند تأثیر حملات را تا حدی خنثی کند و زمان لازم برای بازیابی توانایی‌ها را کاهش دهد.

همکاری ایران و چین در حوزه‌های مختلف فناوری و دفاعی سابقه دارد. پکن، تهران را به عنوان یک متحد راهبردی در مقابل نفوذ غرب در خاورمیانه می‌بیند و همکاری‌های دفاعی بخشی از این رابطه گسترده‌تر است. کمک چین در صورت وقوع می‌تواند به ایران اجازه دهد تا سریع‌تر از آنچه دشمنانش پیش‌بینی می‌کنند، ظرفیت‌های خود را احیا کند. این امر نه تنها از تأثیر بازدارندگی حملات می‌کاهد، بلکه می‌تواند به یک چرخه معیوب تنش‌زا بینجامد: حمله برای عقب راندن ایران، سپس بازسازی سریع با کمک خارجی، و در نهایت احساس نیاز به حمله دیگر از سوی طرف مقابل صورت پذیرد.